

SID



بلاگ مرکز اطلاعات علمی



کارگاه‌های آموزشی



سرویس ترجمه تخصصی



فیلم‌های آموزشی

کارگاه‌ها و فیلم‌های آموزشی مرکز اطلاعات علمی

آشنایی با پایگاه‌های اطلاعات علمی بین‌المللی و ترندهای جستجو بین‌المللی و ترندهای جستجو

کاربرد نرم افزار SPSS در پژوهش

پروپوزال نویسی (علوم انسانی)

کاربرد نرم‌افزار End Note در استناددهی مقالات و متون علمی

صدور گواهینامه نمایه مقالات نویسندگان در SID

علل تفاوت دیه‌ی مرد و زن از دیدگاه اسلام

مصطفی کافی: دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل

چکیده:

حقوق زن و مرد در محدوده‌ی فردی و اجتماعی فرهنگ اسلامی تحت عنوان «نظام حقوقی زن و مرد» به طور صریح در طی چهارده قرن و اندی به تفصیل بیان شده است. دین اسلام در همه‌جا برای زن و مرد، حقوق مشابهی وضع نکرده است، بلکه آن دو را از لحاظ حقوق انسانی برابر و مساوی دانسته و هیچ‌گونه امتیاز حقوقی برای مردان نسبت به زنان و یا برعکس قایل نیست. و تفاوت‌های موجود بین آنها را به معنای برتری و کمال دیگری نمی‌داند، و در عین حال تشابه حقوقی آن دو را نمی‌پذیرد.

دانشمندان و روانشناسان براساس تحقیقات بدست آمده، معتقدند، دنیای زن با دنیای مرد، بطور کلی فرق می‌کند و زن و مرد نسبت به مقتضیات و نیازهای جنسی خود، بطور متفاوت عمل می‌کنند و مثل دو ستاره روی دو مدار مختلف حرکت می‌کنند.

آنچه از آیات و روایات اسلامی بدست می‌آید، هریک از زنان و مرد، در حقیقت انسانی برابر هستند و هیچ‌کدام به لحاظ انسانی و ارزشی بر دیگری برتری ندارند. پس در این دیدگاه در تعیین حقوق انسانی و اجتماعی بین زن و مرد تبعیض یا فرقی وجود ندارد.

مطابق نظریه فقهای شیعه، مرد و زن در مقابل یکدیگر قصاص می‌شوند، لیکن قصاص مرد در برابر زن، مشروط به پرداخت تصف دیه‌ی مرد است، و این امر یکی از مسائل مورد اتفاق فقهای شیعه و اهل سنت است.

از آنجایی که مرد عهده‌دار تأمین امرار معاش و اقتصاد و نفقه زن و به عبارتی معاش خانواده است، از این رو اسلام، به جهت حمایت از خانواده به نفع زن و فرزند، دیه‌ی مرد را دو برابر زن قرارداده است و به همین منظور بعد از مرگ پدر (مرد) خانواده، دیه به ورثه‌ی مقتول تعلق می‌گیرد، نه به خود مرد، زیرا در این رابطه تنها مرد مسئول معاش خانواده بوده است.

دیه در اسلام بر معیار ارزش معنوی انسان مقتول نیست، بلکه یک دستور خاصی است که ناظر به مرتبه‌ی بدن انسان مقتول است و در این راستا هر بدنی که منشأ مالی و اقتصادی بیشتری باشد، دیه هم متناسب با او تنظیم می‌گردد، و بدیهی است، چون بازدهی اقتصادی مردها، معمولاً از زن‌ها بیشتر است، در نتیجه دیه‌ی مردان دو برابر زنان است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که،

جهت‌گیریهای اسلام در راستای آن است که فشار تأمین معاش و هزینه‌ی خانواده برعهده زنان نباشد تا آنان بدون دغدغه خاطر و فشارهای روحی و روانی، به جز در موارد ضروری، در ایفای نقش

بسیار مهم مادری و همسری ساعی باشند و روز به روز کانون گرم خانواده و جامعه را از آثار و برکات عاطفی و معنوی خود بهره‌مند سازند.

پس یگانه مرجع صلاحیتدار برای شناخت حقوق واقعی زن و مرد کتاب آفرینش است و با مراجعه به این کتاب بزرگ می‌توان حقوق مشترک انسانها و وضع حقوقی زن و مرد، از جمله دیه را در برابر یکدیگر بازشناخت و آن را سرلوحه‌ی خود قرارداد.

مقدمه:

نگاهی به آموزه‌های دینی به خوبی نشان می‌دهد که مسئله و احکام حقوق زن و مرد با تمام مراحل و واقعیت‌های آن به صورت جدی و گسترده مورد توجه بوده و اصولاً یکی از مسائلی که در سرلوحه‌ی دینی ما قرار دارد، همین مسئله است، از طرف دیگر، اسلام حقوق زن و مرد را در محدوده‌ی نظام اجتماعی و فردی به صورت مدون بیان کرده که در فرهنگ اسلامی از آن به عنوان «نظام حقوقی زن و مرد» یاد شده است،

اسلام درباره‌ی حقوق زن و مرد در طی چهارده قرن، فلسفه‌ی خاصی داشته، که با آنچه در سایر مکاتب مطرح بوده، تفاوت اساسی دارد.

اسلام در همه‌جا برای زن و مرد حقوق مشابهی وضع نکرده است؛ چنانکه در همه‌ی موارد برای آنها تکالیف و مجازات‌های مشابهی نیز تعیین نکرده است، اما در عین حال، آن دو را از لحاظ حقوق انسانی مساوی دانسته است؛ یعنی اسلام اصل مساوات انسانها را درباره‌ی زن و مرد رعایت کرده و هیچ‌گونه امتیاز و ترجیح حقوقی برای مردان نسبت به زنان و یا بر عکس قایل نیست؛ اما در عین حال تشابه حقوقی آن دو را نمی‌پذیرد.

آنچه تحقیقات روان‌شناسی و بررسی‌های علمی نشان می‌دهد و در مواردی نیز کاملاً واضح و بدیهی است، زن و مرد به دلیل این که یکی زن است و دیگری مرد، در برخی زمینه‌ها مشابه یکدیگر نیستند. تفاوت‌های موجود بین آنها به معنای نقص یکی و کمال دیگری نیست، بلکه به معنای تناسب است، یعنی قانون خلقت خواسته است با این تفاوتها تناسب بیشتری میان زن و مرد که برای زندگی مشترک آفریده شده‌اند به وجود آورد.

علاوه بر تفاوت‌های جسمی، تفاوت‌های آشکاری از لحاظ روانی، بین زن و مرد وجود دارد؛ تا آنجا که روانشناسان معتقدند، دنیای مرد با دنیای زن بطور کلی متفاوت است.

دستگاه خلقت هر نوعی از موجودات را استعداد‌های مخصوصی داده و او را در مدار مخصوص خود قرار داده و سعادت او را نیز بر این امر مقرر داشته که در مدار طبیعی خود حرکت کند؛ بنابراین یگانه مرجع صلاحیتدار برای شناخت حقوق واقعی زن و مرد کتاب آفرینش است؛ با مراجعه به صفحات و سطور این کتاب بزرگ، می‌توان حقوق مشترک انسانها و وضع حقوقی زن و مرد، از جمله دیه را در برابر یکدیگر شناخت و آن را سرلوحه‌ی خود قرارداد؛ برای نیل به این منظور ابتدا به تفاوت‌های موجود بین زن و مرد در نظام تکوین و تشریح می‌پردازیم؛ تا زمینه‌ی لازم برای پاسخگویی به این پرسش که: «علل تفاوت زن و مرد، در دیه از نظر اسلام چیست؟» فراهم گردد.

الف) تفاوت‌های ساختاری زن و مرد.

مرد و زن در عین مشترک بودن در ارزش انسانی، اختلافاتی نیز با یکدیگر دارند، بررسی جزئیات این مسئله و دامنه‌ی آن، سابقه‌ای حداقل ۲۴۰۰ ساله دارد. افلاطون با اعتراف به ناتوان تر بودن نیروهای جسمی، روحی و عقلی زنان، این تفاوت را کمی دانسته و مدعی بود که زنان و مردان دارای استعدادهای مشابهی هستند و زنان می‌توانند همان وظایفی را عهده‌دار شوند که مردان عهده‌دار می‌شوند، و از همان اختیاراتی بهره‌مند گردند که مردان بهره‌مند می‌گردند.

افلاطون روی همین جهت که زن را از مرد ضعیف‌تر می‌داند، خدا را شکر می‌کند که مرد آفریده شده نه زن. وی می‌گوید: «خدا را شکر می‌کنم که یونانی زائیده شدم نه غیر یونانی، آزاد به دنیا آمدم نه برده، مرد آفریده شدم نه زن». برخلاف وی شاگردش ارسطو معتقد بود نوع استعدادهاى زن و مرد، متفاوت است و وظایفی که قانون خلقت، به عهده هر یک از آنها گذاشته و حقوقی که برای آنان خواسته است در قسمت‌های زیادی با هم تفاوت دارد.^۱

پروفسور «ریک» روان شناس مشهور آمریکایی می‌گوید: «دنایای مرد، با دنایای زن به کلی فرق می‌کند، اگر زن نمی‌تواند مانند مرد فکر یا عمل کند، از این رو است... زن و مرد جسم‌های متفاوت دارند؛ علاوه بر این احساس این دو موجود، هیچ وقت مثل هم نبوده و هیچ گاه یک جور در مقابل حوادث و اتفاقات، عکس‌العمل نشان نمی‌دهند. زن و مرد بنا به مقتضیات جنسی خود، به طور متفاوت عمل می‌کنند و درست مثل دو ستاره روی دو مدار مختلف حرکت می‌کنند. آن دو می‌توانند همدیگر را بفهمند و مکمل یکدیگر باشند؛ ولی هیچ گاه یکی نمی‌شوند و به همین دلیل زن و مرد می‌توانند با هم زندگی کنند، عاشق یکدیگر شوند و از صفات و اخلاق یکدیگر خسته و ناراحت نشوند.»^۲

خانم «کلیودالسون» می‌گوید: «به عنوان یک زن روان شناس، بزرگ‌ترین علاقه‌ام مطالعه روحیه مردهاست، در طول تحقیقات خودم به این نتیجه رسیده‌ام؛ خانم‌ها تابع احساسات و آقایان تابع عقل هستند. بسیار دیده شده که خانم‌ها، از لحاظ هوش نه فقط با مردان برابری می‌کنند؛ بلکه گاهی در این زمینه از آنها برترند. نقطه ضعف خانم‌ها، فقط احساسات شدید آنان است.»^۳

اتوکلاین برگ - با صحنه گذاشتن بر تفاوت‌های جسمی و روحی و علایق زن و مرد براساس داده‌های روان شناسی می‌نویسد: «زنان بیشتر به کارهای خانه و اشیا و اعمال ذوقی علاقه نشان می‌دهند و یا کارهایی را دوست می‌دارند که در آنها باید مواظبت و دلسوزی بسیار خرج داد»^۴

دکتر «الکسیس کارل» با عمیق شمردن اختلافات آفرینش زن و مرد، می‌گوید: «به علت عدم توجه به این نکته اصلی و مهم است که طرفداران نهضت زن، فکر می‌کنند هر دو جنس می‌توانند یک قسم تعلیم و تربیت یابند و مشاغل، اختیارات و مسئولیت‌های یکسانی به عهده بگیرند... زنان باید به بسط موهبت‌های طبیعی خود در جهت و سرشت خاص خویش، بدون تقلید کورکورانه از مردان بکوشند. وظیفه ایشان را در راه تکامل بشریت، خیلی بزرگ‌تر از مردان است و نبایستی آن را سرسری بگیرند و رها سازند»^۵

ب: تفاوت‌های تشریحی زن و مرد

تفاوت‌های تکوینی زن و مرد، ریشه در خلقت و آفرینش بشر دارد؛ نه تعلیمات فرهنگی، حال این اختلافات با چه ملاکی، منشأ برخی تفاوت‌های اجتماعی و حقوقی می‌شود؟ اگر قانون‌گذار بخواهد در مقام وضع قانون، همه اختلافات را در نظر بگیرد، کاری غیر عملی و ناممکن است و اگر بخواهد به هرگونه تفاوت و اختلاف بی‌توجه باشد، خلاف، ضرورت تشریح و تقنین است و مصالح جامعه به طور کامل تأمین نمی‌شود؛ زیرا تشریح باید مبتنی بر مصالح و مفاسد نفس‌الامری باشد و قواعد و مقررات حقوقی، اعتباری صرف نیستند. پس آن دسته از اختلافات و تفاوت‌های تکوینی که موجب اختلاف در مصالح و مفاسد نفس‌الامری گردد، منشأ تفاوت در حقوق و تکالیف می‌شود و این امر به حکم «ضرورت بالقیاس» است؛ یعنی، اگر احکام و تکالیف اجتماعی، متناسب با واقعیت‌ها باشد با رعایت آن، سعادت فرد و جامعه حاصل می‌شود و چون رستگاری این دو مطلوب است، پس باید احکام، حقوق و تکالیف، مبتنی بر مصالح و مفاسد واقعی بوده و کاملاً رعایت گردد.

از آنجا که تفصیل و جزئیات تفاوت‌های تکوینی و طبیعی زن و مرد و حدود تأثیر هریک را نمی‌توان به طور کامل و با دقت کافی در حوزه درک خود دریافت؛ از این رو باید به وحی مراجعه کرد.^۶

از طرف دیگر بیشترین تبیین‌ها در توجیه سر تفاوت احکام زن و مرد - با استفاده از داده‌های مختلف علوم عقلی، روان‌شناسی و فیزیولوژی و آناتومی - از باب حکمت است؛ نه علت.^۷

آیات قصاص

از آیات قرآن استفاده می‌شود که سخنان و احکام خدا، حق و عادلانه است و در تکوین و تشریح نسبت به بندگان ظلم نکرده است. «و انجام یافت سخن پروردگار تو بر راستی و داد، نیست برگرداننده‌ای برای سخنان او و اوست شنونده‌ی دانا»^۸

«نیست حکم جز از آن خدا، می‌سراید حق را و اوست بهتر جدا سازندگان (حق از باطل)»^۹

«و نیست پروردگارت ستم‌کننده بر بندگان»^{۱۰}

انسان‌ها در آیات، اعم از زن و مرد، بزرگ و کوچک، سفید و سیاه، فقیر و غنی، در حقیقت انسانی برابر هستند و هیچ‌کدام بر دیگری برتری ندارند. «ای مردم بترسید، پروردگار خود را که آفریدتان، شما از یک تن و آفرید از او جفتش را و گسترانید از آنان مردانی بسیار و زنانی و بترسید خداوندی را که از او پرسش شوید و رحمها، همانا خداوند است بر شما نگهبان»^{۱۱}

و یا در آیه دیگر خداوند می‌فرماید: «ای مردم همانا ما آفریدیمتان از نری و ماده‌ای و گردانیدیم شما را شاخه‌هایی و تیره‌هایی تا شناخته شوید، همانا گرامی‌ترین شما نزد خدا، با تقوی‌ترین شما است، همانا خداوند است دانای آگاه»^{۱۲}

از این آیات استنباط می‌شود که خداوند در حق هیچ انسانی ظلم نمی‌کند و هیچ انسانی بر انسانی دیگر برتری ندارد و ملاک برتری مراعات کردن تقوای الهی است؛ بنابراین در تعیین حقوق انسانی و اجتماعی بین انسانها تبعیض یا فرقی وجود ندارد.

خداوند در مورد حکم قصاص بین زن و مرد نیز عدل را رعایت کرده و این چنین بیان فرموده است:

«وکتبنا علیهم فیها ان النفس بالنفس و العین بالعین و الانف بالانف و الاذن بالان و السن بالسن و الجروح قصاص فمن تصدق به فهو كفاره له و من لم یحکم بما انزل الله فأولئك هم الظالمون»^{۱۲} (و در آن (تورات) بر ایشان مقرر کردیم که (قصاص) جان در برابر جان و چشم در برابر چشم و بینی در برابر بینی و گوش در برابر گوش و دندان در برابر دندان باشد و همه‌ی زخمها را (نیز به همان ترتیب و اندازه) قصاص است. پس هر که آن را صدقه دهد، کفاره‌ی گناهانش محسوب شود و کسانی که به آنچه خدا نازل فرموده حکم نکنند، پس آنها همان ستمگرانند. خداوند در آیه‌ی دیگر می‌فرماید: «یا ایهاالذین آمنوا کتب علیکم القصاص فی القتل الحزب الحزب و العبد بالعبد و الانثی بالانثی فمن عفی له من اخیه شیء فاتباع بالمعروف و اداء الیه باحسان ذلک تخفیف من ربکم و رحمۃً فمن اعتدی بعد ذالک فله عذاب الیم» - «و لکم فی القصاص حیاةً یا اولی‌الالباب لعلکم تتقون»^{۱۳}

(ای کسانی که ایمان آورده‌اید، قصاص (جنایاتی که واقع می‌شوید) بر شما واجب است آزاد در مقابل آزاد و برده در مقابل برده و زن در مقابل زن، پس اگر صاحب خون از برادرش (قاتل) بگذرد، قاتل باید که احسان او را به خوبی تلافی کند و خونبهایی که بدهکار است به طرز خوبی بپردازد، این خود تخفیفی است از ناحیه‌ی پروردگارتان و هم رحمتی است پس اگر کسی بعد از عفو کردن تعدی کند و از قاتل قصاص بگیرد، عذابی دردناک دارد.)

او شما را در قصاص حیاتی است ای خردمندان، اگر بخواهید تقوی داشته باشید).
- با دقت در آیات مذکور، روشن می‌شود قصاص برای حفظ حیات انسانهاست و آنچه در قصاص موجب حیات می‌شود اصل تشریح قصاص است که واضح آن خداوند عادل منان می‌باشد.
و فرقی بین انسان‌ها، از هر نژاد و قبیله، فقیر و غنی، در مقابل قانون الهی نیست و خون کسی رنگین‌تر از دیگری نیست، ولی مهم‌تر اجرای قانون قصاص است که توسط معصوم (ع) و یا حکومت اسلامی پیاده می‌شود.

دیه و حدود آن از دیدگاه روایات و فقهای شیعه:

مطابق نظریه فقهای شیعه، مرد و زن در مقابل یکدیگر قصاص می‌شوند، لیکن قصاص مرد، در برابر زن، مشروط به پرداخت نصف دیه‌ی مرد است؛ اما زن و مرد در قصاص عضو، تا رسیدن دیه‌ی عضو به ثلث دیه‌ی کامل، با یکدیگر برابرند و سپس از آن، قصاص عضو مرد در برابر عضو زن، مشروط به پرداخت نصف دیه‌ی عضو مرد است. لیکن مرد و زن در دیه عضو تا رسیدن آن به ثلث دیه‌ی کامل با یکدیگر مساوی‌اند و پس از آن، دیه عضو زن به نصف دیه عضو مرد کاهش می‌یابد. ابان در حدیثی، از امام صادق (ع) نقل می‌کند که: از امام (ع) سؤال کردم که نظر شما در مورد مردی که یک انگشت از انگشتان زنی را می‌برد، چیست؟

چقدر دیه دارد؟ امام (ع) فرمودند: ده شتر. گفتم: اگر دو انگشت را قطع کند؟ امام (ع)

فرمودند: بیست شتر پرسیدم: اگر سه انگشت را قطع کند؟ امام فرمود: سی شتر.

پرسیدم: اگر چهار انگشت را قطع کند؟ فرمودند: بیست شتر.

گفتم: سبحان الله! اگر سه انگشت را ببرد، باید سی شتر بدهد ولی اگر چهار انگشت را ببرد، باید بیست شتر بدهد! امام (ع) فرمودند: ای ابان آرام باش، این حکم رسول خدا (ص) است. زن با مرد تا ثلث دیه برابر است، ولی بعد از رسیدن به ثلث، به نصف تبدیل می‌شود. ای ابان این سخن تو براساس قیاس است و سنت اسلامی اگر مورد قیاس واقع شود، دین از بین خواهد رفت^{۱۴}

- براساس روایات، مقدار دیه صد شتر یا دویست گاو یا هزار مثقال یا ده هزار مثقال نقره یا دویست حله یا هزار گوسفند بیان شده است^{۱۵} در بعضی از روایات مقدار شتر را برای شتر داران و گاو و گوسفند را برای گاو و گوسفند داران و برای یمنی‌ها حله و برای شهرهایی که با طلا یا نقره داد و ستد می‌کنند، طلا و نقره ملاک قرار داده شده است.

- امام صادق (ع) از قول علی (ع) می‌فرماید: «دیه هزار مثقال طلا است و قیمت یک دینار، ده درهم است و ده هزار درهم برای اهل شهرها است و برای اهل بادیه یک صد شتر و برای اهل روستاها یک صد گاو یا هزار عدد گوسفند می‌باشد»^{۱۶}.

- صاحب جواهر، از دیگر فقهای بزرگ جهان تشییع براساس حدیثی از امام باقر (ع) این زمینه می‌نویسد؛

«قبلاً دیه را از شتر و گاو و گوسفند می‌گرفتند، چون این‌ها کالاهای اصلی زمان بود، ولی وقتی که اسلام ظهور کرد و پول رواج یافت، امیرالمومنین علی (ع) دیه را از پول (طلا و نقره) می‌پرداخت؛ براین اساس مدار در دیه، در هر سرزمینی همان چیزی است که غالباً در آن جا یافت می‌شود»^{۱۷}.

بنابراین، فعلاً چون طلا و نقره رایج است، دیدی مقتول را باید هزار مثقال طلا یا ده هزار مثقال نقره قرارداد. البته اگر طرفین برگرفتن گاو و شتر و غیره مصالحه کردند، می‌توان از آن‌ها به عنوان دیه پرداخت نمود.

- شهید اول در خصوص اندازه‌ی دیه‌ها می‌فرماید: (فی دیة العمد احد امور ستة: مئة من مسانّ الابل أو ما تبا بقره أو ما تبا حله كل حله من برود الیمن، او الف شاء أو ألف دینار او عشرة آلاف درهم، و تستأ دی فی سنة واحدة من مال الجانی)^{۱۸}.

«در دیه قتل عمد یکی از امور ششگانه ثابت می‌شود: ۱- یکی صد شتر که پنج سال یا بیشتر داشته باشند ۲- دویست گاو ۳- دویست حله که هر کدام دو جامه از برد یمانی است. ۴- هزار گوسفند ۵- هزار دینار ۶- ده هزار درهم. دیه‌ی قتل عمد در ظرف یکسال از مال جانی پرداخت می‌شود.

ایشان دیه‌ی زن را نصف هریک از موارد یاد شده بیان می‌کند.

وی در ادامه می‌فرماید: اگر قتل در ماه حرام (ذی‌القعدة، ذی‌الحجه، محرم و رجب) صورت گیرد، یک سوم دیه، به جهت تشدید عقوبت، بر آن افزوده می‌شود^{۱۹}.

- امام خمینی (ره) نیز در تحریرالوسیله می‌فرماید:

«دیه‌ی زن مسلمان آزاد، نصف دیه‌ی مرد مسلمان آزاد است»^{۲۰}.

حضرت آیه الله العظمی تبریزی می‌فرماید:

«اگر مقتول زن و مسلمان باشد می‌شود، قاتل مسلمان او را کشت، لکن اگر قاتل مرد باشد، باید نصف دیه‌ی او را به ولی او بدهند»^{۲۱}.

سایر فقهای شیعه، نیز به این حکم‌ها، اصرار دارند و می‌پذیرند و موارد مطروحه مورد اتفاق فقهای شیعه است. ضمناً از قوانین مورد اتفاق بین فقهای شیعه و اهل سنت، مقدار دیه‌ی مرد و زن است، به گونه‌ای که تا به حال هیچ‌گونه مخالفتی در بین فقهای شیعه، نداشته است و در میان علمای اهل سنت مخالف قابل توجهی وجود ندارد؛ بنابراین فقهای شیعه و سنی بر این عقیده هستند که دیه‌ی کامل تعیین شده در فقه اسلامی، برای مرد است و دیه زن، نصف آن است.

اینک در پرتو آنچه گفته شد «علل تفاوت دیه مرد و زن از دیدگاه اسلام تبیین و بررسی می‌شود.

«علل تفاوت دیه مرد و زن در اسلام»

از آنجا که نوعاً مرد متکفل اقتصاد و تأمین نفقه و هزینه امرار معاش خانواده است، و از فقدان مرد، خسارت‌هایی به مراتب بیشتر، به خانواده وارد می‌شود؛ از این رو اسلام در مواردی در جهت حمایت از خانواده به نفع زن و فرزند، دیه مرد را دو برابر قراردادده است. در روایات و احکام فقه اسلامی نیز مقرر شده است که دیه متعلق به ورثه‌ی مقتول است، نه خود او.

از این رو دیه مرد مقتول، به زن و فرزندان او می‌رسد نه به خود مرد؛ پس این حکم در راستای حمایت از زن و فرزند است، نه شخص مقتول. چنان که دیه‌ی زن مقتول، برای همسر و فرزندان او است و این سهمیه کمتر برای مرد (شوهر آن زن) و فرزندان وی در نظر گرفته شده است؛ چون آنان از طریق این زن، نفقه دریافت نمی‌کردند و هزینه امرار معاش آنها با وی نبود. در مواردی هم زنان در تأمین معاش خانواده، ایفای نقش می‌کنند، باز هم وظیفه حقوقی و قانونی برعهده ندارند و مرد در این زمینه مسئول و پاسخ‌گو است؛ یعنی قانون اسلامی، تنها مرد را مسئول معاش خانواده می‌داند. به عبارت دیگر اسلام در پی این است که فشار تأمین معاش خانواده، برعهده زنان نباشد تا بدون دغدغه‌ی خاطر و تحمل فشار روحی و جسمی از ناحیه کار و اشتغال (جز در موارد ضروری) به ایفای نقش مهم مادری و همسری بپردازند و کانون خانواده و جامعه از آثار معنوی حضور خویش بهره‌مند سازند.

اسلام در عین حال که به حفظ استقلال اقتصادی زنان حرمت نهاده است، تکالیفی را بر مردان مقرر فرموده که به تناسب آن، حقوقی نیز لحاظ شده است؛ در حقیقت، این تأمین منبع و افزایش حقوق به نام مرد ولی به نفع زن و فرزند است؛ یعنی، اگر منبع مالی هزینه‌هایی که مردان باید بپردازند، تأمین نگردد، بیش از همه، اعضای خانواده آسیب می‌بینند.

- اسلام در هیچ شرایطی زن را موظف به تأمین نیازمندی‌های خود و خانواده قرار نداده است،

بلکه او می‌تواند دارایی‌های خود را در هر راه مشروعی صرف کند و در عین حال برای رفع نیازمندی‌های خود، تلاش نماید، بنابراین، شرایط جدید زندگی با احکام اسلام، هیچ تعارضی ندارد؛ زیرا اگرچه بسیاری از زنان امروزه، فعالیت اقتصادی دارند، درآمد حاصل از آن را خودشان مالک

می‌شوند و دیه وارث، اموری مازاد بر آن است. اسلام در روابط خانوادگی دو وظیفه مهم اقتصادی برعهده مرد قرار داده است:

(۱) مهریه (۲) نفقه

بنابراین اگر مشاهده می‌شود که در مواردی، دیه و یا میراث زن و نصف مرد است، بدین جهت است مرد باید دارایی خود را به مصرف زن برساند (درحالی که چنین وظیفه‌ای برای زن مقرر نشده است).

بلکه، به زن استقلال اقتصادی داده و او را در تصرف دارایی خود اختیار بخشیده است.

- اساساً ماهیت حکم دیه و قصاص، تنبیه و بازدارندگی است، نه جان بهای انسان. بنابراین مرد یا زن، هرگاه مرتکب این تخلف گردند، باید مجازات شوند تا نظم عمومی جامعه و امنیت آن مخدوش نگردد. پس نباید گمان شود که حکم به پرداخت نصف دیه برای قصاص مرد قاتل، بدین جهت است که زن از مرتبه‌ی انسانیت دورتر و یا خون او کمرنگ‌تر از خون مرد است!

- پرداخت نصف دیه مرد قاتل از سوی اولیای زن مقتول، از حقوق بازماندگان قاتل است، نه از حقوق قاتل و به نفع مرد، تا دلیلی بر برتری ارزش شخصیت مرد نسبت به زن به شمار آید، چنان که در احادیثی از امامان معصوم (ع) آمده است: «أدوانف الدیه الی اهل الرجل» نصف دیه را به خانواده مرد (نه خود او) بدهید.^{۲۲}

- بسیاری از مسائل حقوقی، لزوماً تابع ارزش معنوی انسانها نیست؛ به عبارت دیگر هرگونه برابری و نابرابری ارزشی، دخالتی در برابری و نابرابری، یا همانندی و ناهمانندی حقوقی ندارد. چنان که یک نفر عالم و دانشمند و یک انسان پارسا و با تقوا، ارزش بیش از افراد جاهل و ناپارسا دارند؛ اما در مسائل حقوقی (مانند دیه، ارث و...) با آنان برابر هستند. بنابراین نمی‌توان از ناهمانندی و هم شکل نبودن پاره‌ای روبناهای حقوقی زن و مرد، نتیجه گرفت که در اسلام زن فروتر از مرد است.^{۲۳}

نکته‌ی دیگری که در این مورد و سایر مباحث مربوط به زن و مرد باید به آن توجه نمود، این است که در بررسی موضوعی، مانند دیه، نباید مجموعه‌ی احکام و امور دیگر را نادیده گرفت. دیه و قصاص زن و مرد شهادت و قضاوت آن دو را باید در کنار تفاوت‌های تکوینی موجود و مسئله مهریه و نفقه و تأمین معاش خانواده و جامعه ملاحظه کرد. دینی که مهریه و نفقه‌ی زن و خانواده و وظیفه‌ی کار و جهاد را بر دوش مرد می‌گذارد، دیه‌ی مرد را نیز دو برابر قرار می‌دهد. البته دیه معیار انسانیت و ارزش واقعی زن و مرد نیست؛ در میان مردان یا زنان، بین ولی کامل و بنده‌ی مقرب الهی و شخص گنهکار تفاوتی نیست؛ چه مردی دروغ گوید و نماز نخواند، چه راستگو باشد و نمازگزار، دیدی هر دو مساوی است. دو گوش یا دو چشم یا دو دست یک فقیه و عالم و دکتر و فیزیکدان، دیه‌ای برابر با دو دست شخص جاهل و بی‌هنر و بیکار دارد. پس در باب دیه، قیمت واقعی اعضاء موردنظر نیست. به علاوه، اگر در وضع قانون بخواهیم تک تک خانواده‌ها و نقش‌های متفاوت زن و مرد در اقتصاد و اداره‌ی خانه و اختلاف ارزش مشاغل و شخصیت‌های اقتصادی، اجتماعی و ... را در نظر بگیریم، محتاج ترازوی بسیار عظیم و حساسی هستیم که جز در دستگاه

عدل الهی و آخرت یافت نمی‌شود. در آن صورت باید برای هر شغلی، در زمان مختلف قیمتی کارشناسی تعیین کرد و بین افراد هم رشته و همکار، درجات مختلف را ملاحظه نمود و هزار نکته‌ی دیگر که رعایت این دقایق در وضع و اجرای قوانین دنیوی غیر ممکن است.^{۲۴}

دیه در اسلام بر معیار ارزشی معنوی انسان مقتول نیست. بلکه یک دستور خاصی است که ناظر به مرتبه‌ی بدن انسان کشته شده می‌باشد و نشانه‌ی آن این است که اسلام بسیاری از افراد اعم از زن و مرد را که دارای اختلاف علمی یا عملی‌اند، متفاوت می‌بیند و تساوی آنها را نفی می‌کند. و هر بدنی که منشأ اقتصادی بیشتر و قوی‌تر باشد، مسئله دیه هم با تناسب او تنظیم می‌شود و چون مردها در مسائل اقتصادی معمولاً بیشتر از زن‌ها باز دهی اقتصادی دارند، دیه‌ی آنها بیشتر است.^{۲۵} حکمت احکام و دستورات دین غالبی است؛ یعنی قانونگذار در وقت جعل قانون اکثر مردم را در نظر می‌گیرد؛ نه تک تک افراد را، وقتی که بیشتر مردم مشمول حکم قرار گرفتند، آن حکم را واجب و قابل اجراء می‌داند. اگرچه قانون شامل عده‌ای نمی‌شود؛ و این موضوع در کل قوانین دنیا هست و همه‌ی قانونگذارهای عالم قبول دارند؛ مانند قانون راهنمایی و رانندگی و قانون خدمت سربازی؛ در قانون خدمت سربازی قانونگذار همه‌ی جوانان ۱۸ ساله را در نظر می‌گیرد و تمام جوانب از جمله مصالح مملکت و تقویت بنیه‌ی دفاعی و نظامی کشور و ... را ملاحظه می‌نماید؛ بعد می‌گوید: همه جوانان باید به خدمت سربازی بروند، یعنی قانون کلی و عمومی است، اگرچه بعضی از افراد از قانون مستثنی هستند، حال در قانون الهی و شرع مقدس اسلام، که قانون دیه‌ی زن نصف دیه‌ی مرد است، این قانون کلی است؛ زیرا در اکثر جوامع نان آور خانه، «مرد» می‌باشد و اصلاً شرع مقدس این وظیفه را به گردن و عهده‌ی مرد قرارداده است. اگرچه این قانون استثناء بردار هم هست، مثل سایر قوانین شرع مقدس و بقیه‌ی قوانین دنیا. حال اگر در بین جامعه تعدادی از زنان بودند که پایه‌ی اقتصادی خانواده برعهده‌ی آنان بود و تنها آنها نان آور خانه بودند و یا آسیب دیدن این گونه زنان در حادثه‌ای یا از بین رفتنشان ضربه‌ی مالی به خانواده‌شان وارد می‌شود؛ در این گونه موارد استثنایی این قاضی دادگاه است که با اختیاراتی که دارد و قانون هم پیش بینی کرده، باید از طریق مجرم یا بیت‌المال این کمبود اقتصادی و ضربه‌ی مالی را جبران نماید. بنابراین دیه یک نوع مجازات مالی برای مجرم و جبران خسارت مالی برای شخص آسیب دیده است و ارزش معنوی و اجتماعی زن با پرداخت دیه قابل جبران نیست، همانطوری که در مردان اگر دیه آنها دو برابر است، برای جبران ارزش معنوی و اجتماعی آنها نیست.^{۲۶}

دیه خون بهای انسان نیست و تعبیر به خون بهاء یک نوع مسامحه در عنوان است؛ بلکه دیه یک نوع مجازات و جبران و خسارت مالی است.

قرآن کریم در مورد خونبهای انسان می‌فرماید: اگر کسی فردی را به ناحق بکشد، مانند آن است که همه‌ی مردم دنیا را کشته است.^{۲۷} پرداخت دیه برای مجرم یک نوع مجازات مالی است، تا اینکه مجرم حواسش را جمع کند، تا دیگر آن عمل را تکرار نکند. و جبران مالی است، برای فرد یا خانواده‌ی فردی که مورد ظلم واقع شده است؛ زیرا فردی که مورد ضرب قرار گرفته، مدتی از فعالیت‌های اجتماعی محروم می‌گردد، که باید خسارت آن را مجرم بپردازد، و اگر از بین برود، با

فقدان او ضرر اقتصادی به خانواده اش وارد می شود و مجرم با پرداخت دیه آن ضرر اقتصادی را تا حدودی جبران می کند، و معلوم است که ضرر مالی که با از بین رفتن یک مرد به خانواده وارد می شود، بیشتر از فقدان یک زن می باشد، بر همین اساس دیه ی مرد دو برابر دیه ی زن است. خلاصه مطلب چون مرد معمولاً در مسایل اقتصادی بازدهی بیشتری دارد، دیه ی آن هم بیشتر است، بنابراین دیه یک مسئله اقتصادی است و این زیادی دیه دلیل بر این نیست که مرد از زن ارزشمندتر می باشد.^{۲۸}

اگر در مواردی ارث و دیه ی زن کمتر از مرد است، این مسئله مبتنی بر منافع و مصالحی در نظام خانوادگی و روابط زن و مرد است و این امر نه تنها به نیکوترین وجهی جبران شده است؛ بلکه حقوق زن در چنین مکتبی، بسیار بیش از مرد و فراتر از چیزی است که در فمینیسم غربی وجود دارد.^{۲۹}

از مجموع نظام حقوقی اسلام می توان نتیجه گرفت که جهت گیری های اسلام، اساساً در راستای آن است که فشار تأمین معاش خانواده برعهده زنان نباشد، تا آنان به راحتی و بدون دغدغه خاطر و بدون تحمل فشار روحی و جسمی از ناحیه کار و اشتغال - البته به جز در موارد ضروری که نیاز جامعه اسلامی ایجاب می کند به ایفای نقش مهم مادری و همسری بپردازند و کانون خانواده و در نتیجه جامعه را از آثار معنوی حضور خویش بهره مند، سازند. از همین رو، سیاست های کلان جامعه از سوی نظام اسلامی، بایستی به گونه ای تنظیم گردد، که زنان ناچار نباشند برای حل مشکلات اقتصادی خانواده، فشار مضاعفی را تحمل کنند و کارآمدی آنان در خانواده کاهش یابد.

پی نوشت ها:

۱ قرآن کریم.

۲ مرتضی مطهری - نظام حقوق زن در اسلام ص ۱۷۰ تا ۱۷۲

۳ همان ص ۱۷۸ و ۱۷۶

۴ همان ص ۱۸۳ و ۱۸۴

۵ برگ، اتوکلاین، روان شناسی اجتماعی، ج ۱ ص ۳۱۳، ترجمه علی محمد کاردان

۶ پرسش ها و پاسخ های دانشجویی (۷) ص ۳۲۲

۷ همان ص ۳۲۳ و ۳۲۴

۸ سوره انعام، آیه ۱۱۵

۹ سوره انعام، آیه ۵۷

۱۰ فصلت، آیه ۴۶

۱۱ -سوره نساء آیه ۱

۱۲ -سوره حجرات، آیه ۱۳

۱۳ -سوره مائده، آیه ۴۵

۱۴ -سوره بقره آیات ۱۷۸ و ۱۷۹

۱۵ حمید کریمی - حقوق زن ص ۶۰

- ۱۶- وسائل الشیعه، ج ۱۹ ص ۱۴۵
۱۷- همان
۱۸- جواهر الکلام، ج ۴۳ ص ۸
۱۹- لمعه دمشقیه جلد اول - ترجمه علی شیروانی ص ۲۹۱-۲۹۲
۲۰- همان
۲۱- تحریر الوسیله، امام خمینی، ج ۲ ص ۵۵۸
۲۲- رساله توضیح المسائل (چهار مرجع) ص ۷۳۵
۲۳- وسائل الشیعه - حر عاملی باب ۲۳ از ابواب الدیات حدیث ۳۵۲۰۵ و ۳۵۲۰۸
۲۴- پرسش‌ها و پاسخ‌های دانشجویی (۷) ص ۳۳۳ و ۳۳۴
۲۵- حقوق زن - حمیدی کریمی ص ۵۸ و ۵۹
۲۶- زن در آینه‌ی جلال و جمال - جواد آملی ص ۳۵۴
۲۷- بهشت جوانان - اسداله محمدی نیا - ص ۱۰۰ و ۱۰۱ چاپ ۲۳
۲۸- سوره مائده، آیه ۳۲
۲۹- بهشت جوانان - اسداله محمدی نیا - ص ۹۹ چاپ ۲۳
۳۰- پرسش و پاسخ‌های دانشجویی (۷) ص ۳۲۷

SID



بلاگ مرکز اطلاعات علمی



کارگاه‌های آموزشی



سرویس ترجمه تخصصی



فیلم‌های آموزشی

کارگاه‌ها و فیلم‌های آموزشی مرکز اطلاعات علمی

آشنایی با پایگاه‌های اطلاعات علمی بین‌المللی و ترندهای جستجو بین‌المللی و ترندهای جستجو

کاربرد نرم افزار SPSS در پژوهش

بروبوزال نویسی (علوم انسانی)

کاربرد نرم‌افزار End Note در استناددهی مقالات و متون علمی

کاربرد نرم‌افزار End Note در استناددهی مقالات و متون علمی

صدور گواهینامه نمایه مقالات نویسندگان در SID